

پژوهشی در علم اقتصاد



و

فعالیت‌های اقتصادی



از : حسین سالکی

چرا تولید می‌کنیم؟

انسان به این خاطر نیروهای جسمی و فکری خود را برای تولید، پدیدآوردن و ساختن کالا به‌کار می‌اندازد که از حاصل کار خود یک یا چند نیاز شخصی و خانوادگی خود را برآورد و با فروش یا تبدیل مازاد آن به سایر نیازهای خود پاسخ گوید. افزوده بر این سایر افراد و هموعان او نیز می‌توانند از نتیجه زحمت و تلاش وی به‌گونه‌ای بهره‌مند گردند.

مبادله موضوع علم اقتصاد

دانش اقتصاد در واقع از روزی توجه بشر را به خود جلب نمود که مقدار تولید از حد تأمین نیاز شخصی و خانوادگی فراتر رفته و موضوع مبادله به میان آمد.

در دنیای امروز یک‌کالای قابل مصرف هنگامی بدست مصرف‌کننده می‌رسد که مراحل مختلف تولید را پشت سر گذاشته و شمار زیادی انسان در کار تولید و تکمیل و ساختن آن کوشش کرده باشند و چنانکه در مقدمه آوردیم نیروی فکری و جسمی خود را در این راه صرف نموده باشند.

دانش اقتصاد بخشی از دانش اجتماعی است. مدت‌های مدید فلسفه دربرگیرنده علوم اجتماعی بشمار می‌رفت که علمی چون اخلاقیات، سیاست و اقتصاد را شامل می‌گردید. در آن دوره به‌دشواری می‌شد مرز میان علوم فوق‌الذکر را از یک دیگر بار شناخت. اما هرچه دانش بشر بیشتر گسترش یافت، علم اقتصاد نیز گسترده‌تر شد و برای مطالعه به‌صورت موضوعی جداگانه و مستقل از سایر علوم مورد توجه قرار گرفت.

درواقع تدوین اصول و علم اقتصاد به زمانی باز می‌گردد که انقلاب صنعتی به مرحله پرشتاب معاصر گام نهاد. به این معنی که تولید و توزیع به‌صورتی پیچیده و امروزی درآمد.

اقتصاد در قلمرو زندگی بشر

فعالیت اقتصادی یکی از جنبه‌های رفتاری افراد بشر را پدید می‌آورد. گروه‌های مختلف انسانی در بخش‌های گوناگون تولید کار و تلاش می‌کنند، و در نتیجه می‌توانند انواعی از کالاها را تولید نمایند که در زندگی روزانه یکایک ما مورد استفاده واقع و وسیله برآورده شدن نیازهای ما می‌باشند.

برای آنکه من یا شما بتوانیم با پوشیدن یک پوشاک گرم بدن خود را از سرمای زمستان حفظ کنیم به پارچه پشمی نیاز داریم که در بوجود آوردن آن شبان پرورش دهنده گوسفند، کارگران ریسنده و صنایع بافنده، رنگرز، طراح و عوامل انسانی دیگری که در نقل و انتقال این ماده حیاتی از مرکز دامداری تا ناحیه صنعتی و سپس بازار مصرف نقشی به عهده می گیرند تا پارچه‌های پشمی و قابل مصرف را در دسترس ما قرار دهند. آنگاه خیاط یا دوزنده این جنس قابل مصرف را به لباس و پوشاک تبدیل می نماید. کار خیاطی نمی تواند به ثمر برسد مگر آنکه گروهی دیگر سوزن، نخ، قیچی، ماشین دوزندگی و دیگر ابزار کار را ساخته و در دسترس بگذارند.

این افراد یعنی پرورش دهنده گوسفند، عمل آورنده پشم، ریسنده، بافنده، سازنده وسایل و دوزنده هر کدام به نحوی در یکی از فعالیت های تولیدی کار می کند که آن را فعالیت اقتصادی می نامند.

هیچ می دانید که خرید یک بسته کبریت کم ارزش خود بخشی از یک سیستم پیچیده اقتصادی را در بر می گیرد؟

با عنایت به این مختصر می توان دریافت که عمل اقتصادی از تولید، توزیع و مبادله کالا باشد چه مسایل پیچیده ای را با خود دارد. برای آنکه من یا شما بتوانیم کالایی را مصرف کنیم یا از خدمت یا خدمات تولیدی و مصرفی برخوردار شویم چه کارها که باید انجام پذیرد و چه نیروهای انسانی که باید خود را وقف آن سازند!

توصیف و عمل اقتصادی

اهل علم و نظریه برای از میان بردن مشکلات اقتصادی علم اقتصاد را به دو بخش نظری و

عملی به طور جداگانه مورد بررسی قرار داده اند. از جنبه نظری برای علم اقتصاد اصولی وضع و تدوین کرده اند که یک سیستم یا فعالیت اقتصادی می باید بر روی آن بنا شده و مطابق آن کار کند. این امر در واقع بخشی از اشتغالات ذهنی دانشمندان و صاحب نظران علم اقتصاد را در بر می گیرد. بسیاری از فرضیه های علمی مربوط به اقتصاد به دور از جنبه های عملی آن تدوین و تکمیل و عرضه می شود. کما اینکه علمای مادی انسان را یک پدیده صرفاً "مادی و اقتصادی" انگاشته و لذا مسایل اقتصادی را جدا از دیگر ابعاد زندگی بشر تحلیل کرده و برای آن راه حل های مخصوص بخود را ارائه کرده اند که در عمل با مشکلات زیادی روبرو گردیده و لذا برای درمان درد نسخه شفا بخشی محسوب نمی شود!

بعد عملی دانش اقتصادی از این جهت در این بررسی اهمیت می یابد که با واقعیت های اقتصادی (زندگی) مطابقت داشته و می تواند به یک فرضیه اقتصادی چنان توانی به بخشد که حلال مشکلات اقتصادی قرار گیرد. برخی از مردم اقتصاد را با این دید می نگرند که می تواند مشکلات را حل کند و لذا کسی می تواند از این وسیله کمکی بهره مند گردد که دانش مربوط به آن را بیاموزد. لذا یک فرد تعلیم دیده در رشته اقتصاد اگر مشکلات برخاسته را از دیدگاه های سیاسی و اجتماعی مورد بررسی و مطالعه قبلی قرار نداده باشد، راه حل ارائه شده از سوی وی نمی تواند قطعی شناخته شود.

روشهای مطالعه علم اقتصاد

نظریات اقتصادی اساساً "برقیاس مبتنی گردیده است. فرض بر حقایقی استوار است که بر تجارب روزمره زندگی بنا شده و بر همین

اساس مقایسه‌ای بدست می‌دهد که اساس مطالعه ما را تشکیل خواهد داد. برای آنکه ادعا ما منطقی باشد از این روی برای این مطالعه اصولی کلی و اساسی را وضع و مبنی قرار می‌دهیم.

گاهی نیز برای این مطالعه از روش استقرائی یا القائی بهره می‌گیریم. یک چنین روشی نسوعاً "بر توده‌ای از ارقام و حقایق آماری از تجارب عینی و واقعی زندگی و فعالیت اقتصادی مبتنی است که ما را به نتایج کلی می‌رساند. برای آگاهی از نحوه کاربرد صحیح روش قیاسی مطالعه از روش استقرائی بهره می‌گیریم، و در واقع به صورت وسیله کنترل از آن استفاده می‌کنیم. وجود سیستم‌های آماری امروز می‌تواند برای مطالعات اقتصادی نقشی موثر ایفا کند.

مانند هر رشته دیگر، علمای اقتصاد با توجه به حقایق اقتصادی مسایل مربوط به آن را گزینش و سپس آن را طبقه‌بندی می‌کنند و بر همین اساس تحقیق و مطالعه خود را پی‌ریزی می‌نمایند.

قوانین اقتصادی نیز بر اصول فرضی و قیاسی مثبتی می‌باشند لذا باید دید در آینده چه پیش خواهد آمد در صورتی که شرایط پیش‌بینی شده در آن جمع آمده باشد. علم اقتصاد نیز چون دیگر دانش‌های بشری بر فرضیاتی چند استوار گردیده است که پاره‌ای از همین فرضیات می‌تواند با حقایق اقتصادی مطابقت نداشته باشد. کما اینکه فرض ما می‌تواند بر این قرار گیرد که مردم در کارهای اقتصادی همیشه رفتاری کاملاً "منطقی درپیش گیرند. همانطور که یک دانشمند برای یافته‌های علمی خود باید از وسایل آزمایشگاهی بهره گیرد، علمای اقتصاد نیز باید تحقیق خود را به ابعاد معین و کلی رفتاری بشر اختصاص

دهند، نه موارد مخصوص، اتفاقی یا استثنائی! از این روی یک مطالعه یا بررسی اقتصادی هنگامی می‌تواند علمی تلقی شود که مانند هر علم دیگر بر قوانین مخصوص بخود تکیه کند. در این صورت می‌شود گفت که میان اقتصاد و سایر علوم تفاوتی وجود ندارد.

اقتصاد دربرگیرنده کمبودها و برآورنده نیازها!

یکی از اساسی‌ترین انگیزه‌های کار و کوشش بشر این است که نیازهایش فراوان و امکانات برآوردن این نیازها نیز محدود است و لذا تنها در سایه کار و کوشش (فعالیت اقتصادی) می‌توان به شماری از آنها دست یافت. وقتی از کمبود سخن می‌گوئیم منظور محدود بودن عرضه آن کالا است. برای تولید یک کالا چند وسیله لازم است که عبارت‌اند از: زمین یا موادکانی موجود در آن، نیروی انسانی اعم از ماهر و غیرماهر و سرمایه اعم از پول نقد یا وسایل تولید که در همه جا و در دسترس همه مردم قرار ندارد. در دسترس نبودن این وسایل مانع از آن می‌شود که انسان‌های ساکن این کره خاکی همگی بتوانند احتیاجات زندگی خود را برآورند.

در این رابطه برای رفع این کمبودها از دانش اقتصادی یاری می‌جوئیم که چگونه از امکانات محدود بیشترین بهره را دریافت و آن را چگونه توزیع کنیم که همگی بتوانیم از این خوان نعمت سهمی و بهره‌ای ببریم.

در یک جامعه اقتصادی اگر مصرف‌کننده نتواند به سبب محدود بودن کالاهای مورد نیاز به همه آنچه را که مایل به استفاده از آن می‌باشد دسترسی یابد و یا وسیله نیل به آنها را در اختیار نداشته باشد در این صورت گزیری ندارد که با توجه به اولویت‌های

موجود آنچه را که بیشتر جنبه ضروری دارد انتخاب کرده و به مصرف آن رضایت دهد. انسان در مقام یک عنصر اقتصادی (مصرف کننده) باید بتواند تصمیم بگیرد که چگونه هزینه‌های زندگی خود را طوری سرشکن کند که بتواند در ازاء آن بیشترین نیازهای خود و خانواده خویش را برآورده سازد. (یعنی کالاهای مصرفی را بدست آورد). اما در اینجا مسئله‌ای پیش می‌آید که می‌تواند وقت‌گیر و دست و پاگیر باشد و با توجه به محدود بودن زمان شبانه‌روز چگونه می‌شود زمانی را وقف این کار (انتخاب جنس یا کالای لازم‌تر) نمود. پس این موضوع که اگر توانائی تهیه فلان کار را نداریم چه چیزی را جایگزین آن سازیم خود یکی از مسائل مهم در علم اقتصاد است. چون با تلاش اقتصادی همراه می‌شود.

البته در یک جامعه اقتصادی آزاد (سرمایه‌داری خصوصی) نوعاً کالاها به‌گونه‌ای تولید و عرضه می‌شوند که با نیاز و انتخاب مصرف‌کنندگان هم‌آهنگی دارند و در برابر آن در یک اقتصاد دولتی کم و بیش این حق از مصرف‌کننده و تولیدکننده سلب می‌شود زیرا دولت خود در مقام تولیدکننده و توزیع‌کننده عمل می‌کند. به بیان دیگر این دولت است که به مصرف‌کننده می‌گوید چه چیزی را مصرف کند و یا از مصرف چه چیزهایی چشم‌پوشد!

هرچند که مصرف‌کننده و تولیدکننده در یک اقتصاد دولتی فاقد حق انتخاب و اختیار در امر تولید و مصرف می‌باشند که همین امر مصائب و مسایل اجتماعی، اقتصادی بی‌شماری به بار می‌آورد که دولت و گروه‌های اقتصادی جامعه از دردهای ناشی از آن در امان نمی‌مانند، اما همه کالاهای مصرفی

هم که در یک جامعه اقتصادی آزاد تولید و عرضه می‌شود از نظر کمی و کیفی می‌توانند به زبان مصرف‌کنندگان باشد و اقلام چشمگیری از آن نیز غیر ضروری و جزء نیازهای کاذب به‌شمار روند. اما در یک اقتصاد تعاونی که فارق از اعمال نظر و تصمیم‌گیری‌های فردی منعت از انگیزه‌های نفع شخصی می‌باشد از آنجا که امر تولید بر نیاز واقعی بازار مصرفی تنظیم و برنامه‌ریزی شده و با صوابدید و مشورت نمایندگان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان که در هیئت اتحادیه‌های تعاونی مصرف و تولید با یکدیگر روبرو و طرف قرارداد واقع می‌شوند بدون تردید هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده که دو گروه اصلی و دوستون عمده بنای اقتصادی جامعه را پدید می‌آورند از حق انتخاب و اختیار برخوردار خواهند بود.

تولید کدام کالا و مصرف کدام یک از آن؟

به‌عنوان یک عنصر اقتصادی (تولید-کننده و مصرف‌کننده) از آنجا که قادر نیستیم به همه آرزوهایمان پاسخ مثبت دهیم، ناگزیریم برای برآوردن یک یا دو آرزو از تأمین خواسته‌های دیگر چشم‌پوشیم. برای مثال یک انسان نوکیسه در زمان واحد نمی‌تواند از پس‌انداز معین خود هم اتومبیل شخصی بخرد و هم به یک سفر خارج از کشور رود. همچنانکه اگر یک دانشجو بخواهد در کنکور سراسری با نمره ممتاز پذیرفته شود باید تا گذراندن پیروزمندانه آزمون سراسری ساعات تفریح خود را نیز وقف مطالعه و درس خواندن کند. اگر آن آقا یا خانم عازم سفر تفریحی از مسافت خود چشم‌پوشد و رنج این محرومیت را بر خود هموار می‌سازد در عوض با خرید یک اتومبیل شخصی چنان رضایتی

کسب می‌کند که می‌تواند حذف برنامه سفر را ناچیز و بی‌اهمیت جلوه دهد و به همین ترتیب پذیرفته شدن دانشجوی با نمره ممتاز می‌تواند خستگی مطالعه شبانه‌روزی و چشم پوشی از لذت و تفریح و گردش را از تن او بیرون آورد .

انتخاب و مشکلات ناشی از آن !

به‌عنوان یک انسان مصرف‌کننده هر کدام از ما با مشکلاتی که در زیر بدان اشاره می‌کنیم روبرو هستیم ، :

الف) درآمدمان را چگونه تقسیم کنیم که در عین پس‌انداز هزینه‌هایمان را نیز بپوشانیم .

ب) درآمدمان را چگونه صرف کنیم که بتوانیم همه‌کالاها و خدمات مصرفی را در اختیار داشته باشیم .

ج) درآمدمان را چگونه تقسیم کنیم که بتوانیم از تمام برنامه‌های تفریحی، یعنی تئاتر - سینما - ورزش و مطالعه و کتاب استفاده کنیم .

در مقام یک تولیدکننده نیز با مشکلات مشابهی روبرو خواهیم بود یکی از این مشکلات این است که سرمایه‌مان را چگونه و در راه تولید کدام کالا و با چه روش سودمندی بکار اندازیم . مثلاً " اگر دکانی تاسیس می‌کنیم پرسش این است که آیا افزوده بر سرمایه نقدی تمام وقت خود را صرف اداره امور آن سازیم یا اینکه برای کمک از یک شاگرد یا وردست درقبال پرداخت دستمزد بهره‌گیریم و نکاتی مانند آن .

اگر این مثال‌ها را از صورت شخصی بیرون کرده و در مورد یک کشور تعمیم دهیم خواهیم دید که هر کشوری هر قدر هم ثروتمند و غنی باشد باز از نظر منابع اقتصادی

محدودیت‌های خاص خود را دارد در این صورت علما و مسئولان اقتصادی کشور باید بدانند و تصمیم بگیرند که از منابع موجود چگونه بهره‌برداری کنند که کمترین خسران و بیشترین سود را عاید مملکت و مردم سازند . مشکل از همین جا آغاز می‌شود . اینکه در کدام یک از بخشهای اقتصادی کشور افراد باید سرمایه‌گذاری و فعالیت کنند ، آیا دولت فقط باید در صنایع سنگین سرمایه‌گذاری کرده و اداره امور آن را به‌عهده گیرد و کشاورزی و صنایع سبک به مردم سپرده شود یا خیر ؟

تعیین حدود دخالت و فعالیت دولت ، بخش خصوصی انتفاع فردی و بخش خصوصی انتفاع جمعی از جمله مسایل و تصمیم‌گیری‌هایی است که به علم اقتصاد و سیاست‌های اقتصادی ارتباط می‌یابد .

تولید چیست ؟

کاشتن ، از دل خاک بیرون آوردن ، ساختن ، دگرگون کردن و تبدیل یک ماده خام به کالای قابل مصرف و خدمات مربوط به آن را تولید می‌نامند . تولید یکی از دو شاخه مهم اقتصاد به‌شمار می‌رود . چنانکه می‌دانیم غرض از تولید پاسخ دادن به نیازهای انسان است . یعنی خدمت به نیازهای مصرفی و مصرف‌کنندگان می‌باشد . یا به عبارتی دیگر ایجاد ثروت و توانائی مادی برای افراد و جامعه و در نتیجه دست‌یافتن به رفاه مادی و اقتصادی در جامعه .

ثروت چیست ؟

منظور از ثروت ایجاد مقداری کالا که در یک دوره فعالیت اقتصادی با حجمی از پول به‌عنوان وسیله مبادله برابر باشد چنین

کالائی لزوماً باید : (الف) مفید و قابل استفاده و مصرف باشد . (ب) عرضه آن محدود باشد و (ج) در یک بازار تجارتي (داد و ستد) درخور عرضه باشد .

مالکیت و انواع آن

وقتی از مال و ثروت سخن به میان می آید بلافاصله نحوه و نوع تملک و مالکیت در ذهن شنونده تداعی می گردد . با توجه به وجود سه سیستم اقتصادی در جهان سه نوع مالکیت نیز به طور عمده می تواند از مشخصات سیستم های اقتصادی باشد که عبارتند از : (الف) مالکیت خصوصی و فردی در حجم های کوچک و بزرگ که از ویژگیهای یک جامعه سرمایه داری خصوصی است . (ب) مالکیت دولتی (عمومی) که در بعضی از ممالک بطور انحصاری همه چیز د تملک دولت بوده و مالکیت خصوصی وجود ندارد و یا در برخی از ممالک که دارای سیستم های اقتصادی مرکب هستند در عین مالکیت خصوصی تملک دولتی نیز به چشم می خورد . و (ج) مالکیت جمعی (تعاونی) که ایجاد یک واحد اقتصادی مصرفی و تولیدی در شهر یا روستا طبق توافق و تصمیمات اتخاذ شده به طور محدود یا نامحدود به مالکیت مشاع و جمعی مصرف کنندگان یا تولید کنندگان صنعتی و کشاورزی در می آید .

مدیریت اقتصادی

هم چنانکه در بخش خصوصی انتفاع فردی شخصی یا یک شرکت تجارتي خصوصی در تاسیس یا ایجاد یک واحد اقتصادی (تولیدی و توزیعی) سرمایه گذاری کرده و می کنند اداره امور آن نیز به حسب میزان سرمایه و قدرت مالی فردی به گردش در می آید . در هر جا که دولت احراز مالکیت می کند اداره امور آن بخش نیز با دولت بوده و از سوی

دولت برای آن واحد اقتصادی مدیر و مدیران تعیین می گردد و انبهایه در یک واحد اقتصادی جمعی (تعاونی) که با سرمایه و کار گروهی مصرف کننده یا تولید کننده تاسیس می گردد اداره امور آن نیز به صورت جمعی بوده و سهام داران (اعضاء) با گردهمایی در مجمع عمومی آن شرکت تعدادی از دوستان خود را برای مدتی معین که در اساسنامه آن شرکت پیش بینی می گردد انتخاب می کنند .

از وجوه متمیزه این سه نوع مدیریت آن است که در بخش خصوصی انتفاع فردی سرمایه محور تعیین مدیر است در بخش دولتی (عمومی) سیاست دولت عامل تعیین کننده مدیر و مدیریت واحد اقتصادی است و در بخش تعاونی درست عکس آن دو سیستم بدون توجه به میزان سهم یا سهام افراد یا نفوذ و قدرت شخصی و اجتماعی انسان و هدفهای جمعی محور تعیین مدیر قرار می گیرد ، که دلپذیرترین و طبیعی ترین شکل مدیریت اقتصادی است .

انواع ثروت و دارائی

چنانکه آمد به طور کلی سه نوع ثروت و دارائی را می توان بر شمرد که عبارتند از ثروت های شخصی و فردی ثروت های عمومی و دارائی های جمعی که در وجود اشیاء ، زمین ، کارخانه ، ماشین آلات از انواع آن ساختمان ، مواد خام صنعتی و کشاورزی ، وسایل حمل و نقل را باید بر شمرد که به صورت کالاهای سرمایه ای می تواند در جامعه وجود داشته باشد . البته میزان پول و نقدینه و جواهرات را جزو ثروت و دارائی می شمارند .

ثروت یک کشور - مجموع آن چیزهائی است که در یکی دو سطر پیش بر شمردیم جزو دارائی و ثروت یک مملکت به حساب می آیند

اما امروزه وجود عناصر کارردان، افراد تحصیل کرده، صاحب فن و متخصص و مدیران کار-آزموده مهندسان، حسابداران و متخصصان امور مالی، پزشکان، کارشناسان صنعتی و کشاورزی نیز جزو ثروت و دارائی یک کشورند و به همین منظور برای ایجاد چنان ثروت‌های انسانی با ارزش هر سال میلیارد‌ها ریال صرف ایجاد و اداره دانشگاهها، مدارس، آزمایشگاهها و موسسات پژوهشی مملکت می‌شود.

درآمد ملی چیست؟

مجموعه ارزش کالا و خدمات تولید شده در یک اقتصاد را تولید ملی یا درآمد ملی ناخالص آن اقتصاد می‌خوانند. یکی از راههای محاسبه آن محاسبه مجموع هم درآمدهای ناشی از فعالیتهای اقتصادی است. به این ترتیب حجم تولید با درآمد ملی یک چیز را معنی می‌دهد. پرداخت مبلغ معینی پول برای تهیه کالا به منزله آن است که ما بخاطر استفاده از آن کالا هزینه عواملی را پرداخت نموده‌ایم که برای تولید و خدمات مربوطه آن فعالیت نموده و به کارگمارده شده‌اند. برای تعیین میزان درآمد ملی روش محاسبه دیگری نیز وجود دارد که در آن هزینه‌های فردی (افراد) و مقامات عمومی به علاوه جمع پس‌اندازهای فردی و نهادها و موسسات کشور برآورد می‌گردد.

عوامل تعیین‌کننده تولید ملی یا درآمد ملی

حجم تولید به عواملی بستگی دارد که در زیر بدان اشاره می‌شود:

کمیت و کیفیت منابع کشور. یعنی مقدار زمین بارور، نیروی انسانی کارآمد و سرمایه

در دسترس.

هدف از برآورد درآمد ملی

درآمد ملی را بدان جهت برآورد می‌کنند که مشخص شود آیا اقتصاد کشور در حال پیشرفت است یا خیر. البته چنین کاری آسان نیست، زیرا آگاهی و اطلاعات لازم ممکن است غیرکافی و ناقص بوده باشد. یا اینکه قیمت‌ها از ثبات برخوردار نبوده و تغییر کنند. لذا مقایسه یک سال با سال دیگر غیرممکن می‌شود مگر آنکه ارقام به دست آمده تورم‌زدایی گردند.

نکته دیگر مسئله مضاعف است، باید مراقب بود که یک محصول یا تولید دوبار بحساب نیاید همچنین قیمت یا هزینه تهیه مواد خام و هزینه تبدیل جنس از صورت خام به حالت قابل مصرف در آن واحد به حساب نیایند.

در محاسبه درآمد ملی موضوع استهلاک کالاهای سرمایه‌ای باید منظور گردد زیرا عوامل تولید برای ادامه و استفاده مجدد به نوسازی یا جانشینی نیاز دارند که باید از درآمد ناخالص کسر شود، و لذا در این مورد هم برآورد دقیق کار دشواری است که توجه نکردن به آن ما را گمراه می‌سازد.

در این رابطه مسایل دیگری از قبیل خدمات رایگان و پرداخت‌های خارجی مطرح می‌شود که اشخاص یا افراد به‌طور مجانی خدمات اقتصادی انجام می‌دهند و از این خدمات گروهی برخوردار می‌شوند که برای درآمد ملی باری محسوب نمی‌شود در مورد پرداخت‌های خارجی نیز باید از این محاسبه تفریق شود که اضافه شدن آن به جمع درآمد نباید جزء منابع درآمد به حساب آید.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران